

مسئولان جامعه: صعود یا سقوط اندیشه مردم

نویسنده: صادق سبحانی

پژوهشگر معاونت اندیشه‌ورزی مرکز مطالعات راهبردی تربیت اسلامی

آیا اندیشه و تفکر مسئولان جامعه (اعم از امام، رهبر، مدیر و مانند این‌ها) می‌تواند جایگزین اندیشه مردم شود؟ همه انسان‌ها در مسیر زندگی خود با مسائل و مشکلات گوناگونی روبرو می‌شوند و درباره آن‌ها فکر می‌کنند و تصمیم‌های مختلفی می‌گیرند؛ اما سؤالی که در این رابطه به ذهن می‌رسد این است که نسبت اندیشه مردم و مسئولان جامعه چیست؟

علی‌رغم توانایی مردم در اندیشه کردن و لازم بودن این مهم، برخی مسئولان جامعه ترجیح می‌دهند که بجای مردم اندیشه کنند و آن‌ها را از اندیشه کردن بی‌نیاز سازند. به عبارت دیگر، بجای اینکه مردم درباره عاقبت امور خود و سرنوشت خودشان تصمیم بگیرند، آن‌ها تلاش می‌کنند اندیشه و تصمیمات خود را (غالباً بصورت غیراختیاری و ناخودآگاه) به مردم بقبولانند. به نظر می‌رسد چنین راهبردی نمی‌تواند خوب باشد و مسئولانی بیشتر از آن استفاده می‌کنند که ترجیح می‌دهند مردم را از اندیشه کردن منصرف سازند تا بتوانند نظرات و اندیشه‌های خود را (چه صحیح و چه غلط) بر جامعه تحمیل کنند.

در مقابل، برخی دیگر از مسئولان جامعه همواره مردم را به اندیشه‌ورزی، تفکر، تعمیق، بصیرت و بطور کلی تأمل کردن در درون و بیرون از خودشان دعوت می‌کنند. در واقع آن‌ها به دنبال این هستند که مردم را در انتخاب صحیح و تصمیم خوب رشد بدهند. در این صورت، اندیشه مسئولان، جایگزین اندیشه مردم نمی‌شود بلکه غالباً تفکرات آن‌ها برای مردم در قالب راهنمایی، مشاوره، شناساندن مسیر و بصیرت‌دهی نقش ایفا خواهد کرد. بنابراین این مسئولان سعی دارند اندیشه مردم را بطور تدریجی رشد دهند و به اصطلاح، یک سرایشی برای اندیشه مردم بسازند تا مسیر صعود را ببینند، بر خلاف مسئولانی که اندیشه مردم را در سرازیری قرار می‌دهند تا سقوط کنند.

در مجموع می‌توان ادعا کرد که مسئولان در صورتی که مربی باشند و جایگاه تربیتی خود را به درستی بخواهند انجام دهند باید مردم را در اندیشه کردن رشد بدهند و بجای اینکه برای آن‌ها تصمیم بگیرند باید آن‌ها را در

تفکر کردن و تصمیم گرفتن رشد دهند. این مسئولان هم به رشد (اندیشه) خود و هم رشد (اندیشه) دیگران اعتقاد دارند و تلاش خواهند کرد مردم، تصمیم‌سازانی بزرگ و بزرگوار بشوند.

اصطلاحات: مسئول، امام، رشد، فکر، اندیشه، تفکر